

حقیقت در پیشخوان تروتسکیست‌ها

توضیح:

در شماره ۳ و ۴ پیک انترناسیونالیستی مقاله‌ای تحت عنوان «اتحادیه مستقل کارگران ایران به روایت چپ» درج گردیده بود. در آن نوشته با اتکاء بر مواضع پایه‌ای پیک انترناسیونالیستی تلاش کردیم تا از روی تاکتیک ضدانقلاب برای مقابله با مبارزه طبقه کارگر ایران، یعنی ایجاد «تشکل‌های صنفی» و راندن اعتراضات کارگری به مجرای قانونی، پرده برداریم. سپس نیز با مروری بر نمونه‌های تاریخی اتحادیه‌ها در کشورهای مختلف و به ویژه ایران استنتاجات سیاسی روشنی در این زمینه به عمل آوردیم.

اشاره به گوشه‌هایی از کارنامه سیاسی نیروهای چپ و به ویژه تروتسکیست‌ها در دفاع از اتحادیه و تشکل‌های صنفی، بخش کوچکی از مقاله مزبور را به خود اختصاص داده بود. نشریه تروتسکیستی «کارگر سوسیالیست» که ناگزیر از تحمل بار سنگین نقد روشنگرانه پیک انترناسیونالیستی گشته بود، نتوانست به مانند سایر جریان‌های چپ دست به عقب‌نشینی در سکوت زند بلکه در مقاله‌ای تحت عنوان «نگاهی به چهره فرصت‌طلبان و فرقه‌گرایان» زبان به پاسخ گشود. اما این پاسخ در دفاع از «اشکال و مضمون فعالیت "اتحادیه مستقل کارگران ایران"» صورت نگرفت. بلکه این کار به عهده فعالین خود اتحادیه مستقل واگذار گردید و در عوض نیمی از حجم «کارگر سوسیالیست» ۵۸ به دفاع از مواضع و عملکرد جنبش تروتسکیستی و جعل و تحریف مواضع کمونیست‌های انترناسیونالیست اختصاص یافت.

دفاعیه تروتسکیست‌ها شامل اجزاء متعددی است. در مقدمه بحث انگشت به سوی جایگاه حزب کمونیست کارگری به مثابه جریانی که علیرغم ادبیات به ظاهر رادیکال در نقش دلال سیاسی میان چپ و محافظ راست بورژوازی امپریالیستی عمل می‌کند دراز شده است تا شاید «دفاعیه تروتسکیستی» در موضع برتری قرار گیرد. آنگاه نکاتی در حوزه معرفی و اطلاع‌رسانی درباره پیک انترناسیونالیستی و برخی نیروهای جنبش سیاسی پرولتری بیان گردیده است و سرانجام در بخش پایانی به توضیح و توجیه کارنامه سیاسی جنبش تروتسکیستی در ایران پرداخته شده است.

طبیعتاً ما در مقاله حاضر قصد نداریم از طریق یک پلمیک سیاسی به اصطلاح «اشتباهات یا انحرافات» تروتسکیست‌ها را به جنبش کارگری گوشزد کنیم. همچنین قصد نداریم تا به تجزیه و تحلیل مفاهیم نظری آنها بپردازیم چرا که آن مفاهیم و مقولاتی که در نظام گفتاری چپ و از جمله تروتسکیست‌ها به کار گرفته می‌شود در طی بیش از نیم قرن سلطه ضدانقلاب، از هرگونه بار انقلابی تهی گشته و به نفع طبقه حاکم بکار گرفته می‌شود. بلکه تلاش خواهیم کرد تا ضمن افشای دروغ‌پردازی‌های تروتسکیست‌ها درباره پیک انترناسیونالیستی و سازمان‌های انترناسیونالیست درون جنبش انقلابی، به گوشه‌هایی از برنامه و عملکرد ضدانقلابی بپردازیم که آنها مجدداً تلاش می‌کنند آن را تبلیغ و ترویج کنند.

اطلاع‌رسانی تروتسکیست‌ها

مضمون مقاله «نگاهی به چهره فرصت‌طلبان و فرقه‌گرایان»، مندرج در نشریه «کارگر سوسیالیست» شماره ۵۸ از زوایای گوناگونی شایان توجه است، به ویژه از زاویه تاریخ‌نویسی و شهادت در تحریف واقعیت. این مقاله خصلت‌نمای سنن و روش‌هایی است که طی سالیان متمادی در میان مطبوعات جناح چپ سیستم سیاسی سرمایه (مائوئیسم، استالینیسم و تروتسکیسم) بر علیه مارکسیسم مرسوم بوده است.

در این نوشته، نویسندگان «کارگر سوسیالیست» تلاش کرده‌اند تا ضمن دفاع از موضع و عملکرد خود در قبال «اتحادیه مستقل کارگران ایران» به «اتهامات» «فرقه‌گرایان» و فرصت‌طلبان نیز پاسخ دهند.

اما در عمل «کارگر سوسیالیست» خود را در شرایطی یافته که تحت آن مجبور گشته به گذشته جنبش تروتسکیستی در ایران بازگردد و موارد مشخصی از کارنامه عملی خود را مجدداً توضیح و توجیه نماید. آنان همچنین، آزریر خطر شکلگیری انحرافات چون «فرقه‌گرایی و شبه‌انارشسیسم» در جنبش کارگری ایران را برای احزاب به اصطلاح «انقلابی» به صدا درآورده و از وجود شیخ ترسناکی خبر داده‌اند که بر فراز چپ به پرواز درآمده است. شبیحی که بر سرلوحه مواضع خود نوشته است: «پس از اولین حزب کمونیستی (به رهبری سلطانزاده) در ایران، تاکنون هیچ جریان کمونیستی وجود نداشته است. کلیه احزاب و سازمان‌هایی که هم‌اکنون تحت عناوین کمونیست و کارگر فعالیت می‌کنند، چپ دستگاه سیاسی سرمایه‌داری و ضدانقلاب هستند». سپس، آنها به پیک انترناسیونالیستی و جنبشی که این نشریه بدان تعلق دارد می‌پردازند و درباره هویت سیاسی «حزب کمونیست انترناسیونالیست» و «سازمان کارگران کمونیست»، که متون‌شان در نشریه ما انتشار می‌یابد، آنها را چنین معرفی می‌کنند:

«... در صورتی که این فرقه‌ای است [پیک انترناسیونالیستی] که خود را پشت سر یک گروه بین‌المللی بوردیگستی که از اتحاد دو گروه کوچک در ایتالیا و انگلستان در سال ۱۹۸۳ تشکیل شد مخفی کرده‌اند. این گروه گرچه مواضع عمومی چپ دارد (که بسیاری از ۷ نکته آنها مورد توافق ما نیز هست) فصل‌نامه‌ای با نام «چشم‌اندازهای انقلابی» به انگلیسی منتشر می‌کند. تفاوت این فرقه ایرانی با سازمان به ظاهر برادر بین‌المللی خود در اینست که حداقل بوردیگست‌ها گرچه اختلافاتی با سایر انقلابیون دارند اما روابط حسنه خود را با سایرین حفظ کرده‌اند و هیچگاه مخالفان سیاسی «چپ» خود را متهم به ضدانقلاب نکرده‌اند... در صورتی که این فرقه به غیر از خودشان سایر نیروهای چپ را چپ دستگاه سیاسی سرمایه‌داری و ضدانقلاب ارزیابی می‌کنند. این فرقه عمداً یا سهواً ترجمه مواضع بوردیگست‌ها را در مورد نظریات «ضدانقلابی» سوسیال‌دمکراسی و حزب‌های کمونیست به تروتسکیسم استناد داده‌اند»

(نشریه کارگر سوسیالیست ۵۸، صفحه ۶- زیرنویس)

صرفنظر از جهت‌گیری نظری مستتر در جملات بالا، نکات شایان توجه مسائلی است که جنبه اطلاعاتی دارند. در اینجا اعلام می‌شود که:

- ۱) نشریه پیک انترناسیونالیستی متعلق به یک تشکل یا (فرقه) است.
- ۲) سازمان کارگران کمونیست، عضو «دفتر بین‌المللی برای حزب انقلابی»، یک سازمان بوردیگستی است.
- ۳) این سازمان با تروتسکیست‌ها و دیگر احزاب چپ روابط حسنه‌ای دارد.
- ۴) سازمان مزبور برخلاف پیک انترناسیونالیستی، تروتسکیست‌ها را ضدانقلاب نمی‌داند.
- ۵) مواضع این سازمان و یا حزب کمونیست انترناسیونالیست (ایتالیا) را پیک انترناسیونالیستی در ترجمه‌هایش تحریف کرده است.

کلیه این اطلاعات کذب محض است، و با هدف ایجاد موانع و سردرگمی در پروسه برش و جهت‌گیری عناصر و جمع‌های طیف جریان انتقادی جنبش کارگری صورت می‌گیرد که در تجارب خود به نقش ضدانقلابی چپ پی برده و بدنبال بدیل انقلابی و انترناسیونالیستی بوده و از تاریخ و مبارزه چپ کمونیست بر علیه انحطاط حزب بلشویک، بر علیه استالینیسیم، مائوئیسم و تروتسکیسم که مانند خط سرخی از انقلاب اکتبر تا به امروز ادامه دارد اطلاع چندانی ندارند.

نه سازمان کارگران کمونیست و نه هیچیک از نیروهایی که مواضع آنها در نشریه پیک انترناسیونالیستی منتشر شده بوردیگست نیستند. مواضع آنها نیز بوسیله سمپات‌های فارسی‌زبان آنها ترجمه شده است، نه فعالین پیک انترناسیونالیستی، لذا اتهام ترجمه غلط یا دستکاری مواضع نیز فریبی بیش نیست. تا جایی هم که به این جریان‌ها، به مثابه جریانی درون جنبش انقلابی پرولتری برمی‌گردد، آنان نیز تروتسکیسم را بخشی از جناح چپ سرمایه می‌دانند و ادعای روابط حسنه آنها با چپ یک ریاکاری است.

اما دروغ‌پردازی‌های تروتسکیست‌ها درباره سازمان‌های چپ کمونیست به همینجا ختم نمی‌شود، بلکه برای اطلاعات بیشتر، خوانندگان خود را به بیوگرافی بوردیگا رجوع می‌دهند که در نشریه شماره ۵۷ «کارگر سوسیالیست» درج شده بود. در آنجا گرچه بوردیگا رهبر بزرگ پرولتاریای جهان لقب می‌گیرد ولی مهمترین وقایع تاریخ مبارزه و زندگی او سانسور می‌شود. در حالی که بوردیگا یکی از عناصر فعالی بود که برای تشکیل جناح چپ کمونیست بین‌الملل حرکت کرد، با تسلیم حزب بلشویک در مقابل سرمایه‌داری جهانی، اتحاد با سوسیال‌دمکراسی و بالاخره بر علیه پارلمانتاریسم و بلشویزه کردن احزاب کمونیست مبارزه نمود. مهمتر از همه اینکه تروتسکیست‌ها گویا فراموش کرده‌اند که «بوردیگست‌ها» در جنگ جهانی دوم تنها حزب سیاسی بودند که جنگ را ارتجاعی دانستند در حالیکه جنبش تروتسکیستی در جنایات دمکرات‌ها و فاشیست‌های اردوی سرمایه در قتل عام ۵۰ میلیون انسان سهیم گشتند.

چطور ممکن است که سازمان کارگران کمونیست را بوردیگست قلمداد کرد در حالیکه این سازمان درباره نقش بوردیگا در شکل‌گیری حزب کمونیست انترناسیونالیست می‌نویسد:

«تا این زمان حزب کمونیست انترناسیونالیست از بحران بازگشت بوردیگا به فعالیت انقلابی، بعد از بیست سال دوری او، از سیاست، سالم جسته بود. همانند تروتسکی او نیز در کنار پرستیژ عظیم خدمات گذشته‌اش که همراه خود به عرصه سیاست انقلابی آورد، کوله‌بار نظریات کهنه‌شده را نیز وارد سیاست انقلابی می‌کرد. ناتوان از فهم ماهیت واقعی اتحاد جماهیر شوروی، متزلزل بر سر ضرورت حزب در این دوره، عاجز از مشاهده اینکه دوره مترقی بودن مبارزات ملی به سرآمده و

ناموفق در تشخیص ماهیت اتحادیه‌های کارگری به مثابه خطوط دفاعی سرمایه‌داری در عصر امپریالیسم، او تهدیدی در جهت نقش بر آب ساختن کار صبورانه بازیابی تئوریکی که توسط چپ ایتالیا در طول بیش از دو دهه انجام گرفته بود به شمار می‌رفت. بوردیگا هیچگاه به حزب کمونیست انترناسیونالیست نپیوست. اما ظهور مجدد وی به قیمت [از دست رفتن] بسیاری از کادرهای آن تمام شد و غالب آمدن بر اپوزیسیون وی تا سال ۱۹۵۲ طول کشید.»

(در نقد تروتسکیسم - نشریه چشم‌اندازهای انقلابی - سازمان کارگران کمونیست) با تصویری که سازمان کارگران کمونیست از جایگاه تاریخی و مواضع بوردیگا در چپ ایتالیا به دست می‌دهد کاملاً روشن است که بوردیگا و بوردیگیست‌ها جز در این رابطه که بخشی از جنبش انقلابی محسوب می‌گردند و پایه‌های نظری نسبتاً مشترکی با دیگر نیروهای چپ کمونیست دارند، ربط مستقیمی به دفتر بین‌الملل برای حزب انقلابی و یا پیک انترناسیونالیستی ندارند. بطور نمونه یکی از نکاتی که این طیف را از بوردیگیست‌ها متمایز می‌گرداند نگرش بوردیگیست‌ها به حزب و نقش آن در مبارزه طبقاتی است، نگرشی که به ایده جانشین‌گرایی شهرت دارد. اما نشریه «کارگر سوسیالیست» آسوده‌خاطر از کم‌آگاهی خوانندگانش و سرمست از فضای مسموم حاکم بر اپوزیسیون بورژوازی، خود را مجاز دانسته است تا به آن شکل که می‌خواهد تاریخ بنویسد و از این دریچه هویت نیروهای پرولتری را سانسور و تحریف کند.

آنها همچنین ادعای دوستی و داشتن «رابطه حسنه» با کمونیست‌ها می‌کنند تا ضمن خدشه‌دار کردن چهره کمونیستی نشریه پیک انترناسیونالیستی، این حرکت را که یک دستاورد مهم برای جنبش کارگری ایران است، با فرقه‌سازی‌های هزاران باره چپ ضدانقلاب در طول نیم‌قرن اخیر هم‌طراز سازند. در این مسیر تروتسکیست‌ها مایوسانه می‌کوشند تا مواضع تاریخی جنبش انترناسیونالیستی که از مواضع چپ بورژوا بطور کامل مجزاست و بیش از چندین دهه از آن دفاع گشته است را تحریفات یک «فرقه» جلوه دهند. سپس بتوانند تا زمینه را برای این فریب آشکار آماده نمایند که، هیچیک از سازمان‌های مذکور، چپ و تروتسکیست‌ها را ضدانقلابی ندانسته‌اند. حقیقت این است که اعتقاد به ماهیت ضدکارگری جناح چپ سیستم سرمایه‌داری (تروتسکیسم، مائوئیسم و استالینیسم) و در نتیجه ضدانقلابی قلمداد کردن احزاب موجود در چپ ایران یک امر بدیهی و روشن در جنبش سیاسی پرولتری است. حتی سازمان کارگران کمونیست که تروتسکیست‌ها ادعای داشتن روابط حسنه با آنها را دارند چنین نگرشی دارد:

«تروتسکیسم کیسه ذخیره برای هواداران سرمایه‌داری دولتی است. کسانی که با حمایت از اتحاد جماهیر شوروی در جنگ امپریالیستی، در تقلاي حرکت به جلو دور بسته پیرامون خود را مکرر می‌پیماند. فراوانی فرقه‌های تروتسکیست امروز موجود، گواه بر توده تناقضاتی است که اجزاء تروتسکیسم را تشکیل می‌دهند، این گروه‌ها بطور عینی جناح چپ دستگاه سیاسی بورژوازی را نمایندگی می‌کنند.»^۱

(چشم‌اندازهای انقلابی - ترجمه ۱۹۸۵)

همانگونه که می‌بینیم، سازمان کارگران کمونیست نیز مانند پیک انترناسیونالیستی تروتسکیسم را بطور عینی بخشی از جناح چپ دستگاه سیاسی بورژوازی ارزیابی می‌کند. اما در اطلاعات ارائه شده توسط تروتسکیست‌ها، بوردیگا تروتسکیست است، سازمان کارگران کمونیست و حزب کمونیست انترناسیونالیست بوردیگیست هستند و برادر «به ظاهر بین‌المللی آنان» پیک انترناسیونالیستی نیز آنارشیت و فرقه‌گراست.

در عرصه نظری نیز شاهد کاربرد همین شیوه‌های ضدانقلابی هستیم. چه آنجا که سخن از مواضع سازمان‌های دفتر بین‌الملل برای حزب انقلابی رانده شده و چه آنجا که ایده‌های عجیب و غریب و بعضاً سفیهانه‌ای بدون حتی یک فاکت به پیک انترناسیونالیستی نسبت داده می‌شود. نشریه کارگر سوسیالیست با تحریف و ریاکاری درباره مواضع ما و سازمان‌های اردوی پرولتری، و سرمایه‌گذاری بر ضعف آگاهی خوانندگان در واقع می‌کوشد راه را جهت حمله به پیک انترناسیونالیستی هموار سازد. آنها در بخشی از مقاله خود پس از دفاع از ایده معروف تروتسکیستی مبنی بر حرکت از آگاهی موجود و اتحاد با احزاب بورژوایی که در جنبش کارگری نفوذ دارند (مانند تز جبهه متحد با سوسیال‌دمکراسی)، نیروهای انترناسیونالیست را که به مخالفت باین تاکتیک‌ها می‌پردازند «فرقه‌های خودمحورین» قلمداد می‌کنند و می‌نویسند که:

«نتیجه منطقی استدلال این فرقه می‌تواند این باشد که کارگران بیکار و یا پناهجویان در کشورهای غربی نیز نباید از تامينات اجتماعی کشورهای امپریالیستی استفاده کنند، زیرا که این منجر به تقویت و ایجاد توهم در سیستم سرمایه‌داری می‌شود! اگر چنین کنند به "چپ دستگاه سیاسی سرمایه‌داری و ضدانقلاب" تبدیل می‌گردند!»

(کارگر سوسیالیست، شماره ۵۸، زیرنویس)

معلوم نیست که نویسنده نشریه «کارگر سوسیالیست» چگونه و از کدام نوشته ما چنین ارجحی را نقل قول کرده است. با این همه، اما اظهارات سفیهانه فوق نشانگر بیگانگی مطلق نویسنده از جایگاه تاریخی کمونیست‌های چپ نیست. آنها به نیکی می‌دانند که کمونیست‌های چپ تنها جریاناتی بودند که با ایده بورژواشن طبقه کارگر اروپا که پس از جنگ جهانی دوم شیوع یافته بود به مقابله برخاستند. تروتسکیست‌ها بر این حقیقت واقفند که کمونیست‌های چپ بودند که به نقد جنبش تروتسکیستی که خود را به وارونه انترناسیونالیست و مدافع انقلاب جهانی معرفی می‌نماید همت گماشتند و تا سرحد نقد نظرات لنین در عرصه ملی و آریستوکراسی کارگری پیش رفته‌اند. تروتسکیست‌ها از آخرین زیگزاگ‌های ارنست مندل و آخرین انشعابات جنبش در بحران تروتسکیستی که بیانگر حقانیت نظرات چپ کمونیست بود شناخت دارند. اما آنها با اتکاء بر سی سال تجربه سم‌پاشی بر علیه جنبش کارگری ایران بطرز مضحکی کوشیده‌اند تا به خواننده «ناآگاه» خود چنین القاء کنند که پیک انترناسیونالیستی اولاً ریشه در هیچ جنبش و جریان تاریخی ندارد و ثانياً کارگران و پناهجویان را ضدانقلاب و چپ دستگاه سیاسی سرمایه‌داری می‌خواند. و آنگاه به ما پند و اندرز می‌دهد که این یک موضع کودکانه است. از این شیوه سال‌هاست که بورژوازی و به ویژه دستگاه‌های امنیتی دولت‌های توتالیتیر برای منزوی کردن و نامتعادل نشان دادن مخالفین خود سود جسته‌اند. بکارگیری آن توسط تروتسکیست‌های ایرانی بیانگر وحشت آنان از رودرویی با ما و خطر از دست دادن آن دسته از سربازان احتمالی است که شک کردن به عصای موسی را ساز کرده‌اند. به

همین دلیل ابتذال نشریه «کارگر سوسیالیست» در کلام تنها بیانگر استیصال و درماندگی تروتسکیسم در اندیشه است.

تروتسکیست‌ها و جنگ

نشریه «کارگر سوسیالیست» در جایگاه دفاع از مواضع تاریخی جنبش تروتسکیستی در ایران، مواردی از کارنامه آن را که ما در پیک انترناسیونالیستی شماره ۳ و ۴ برشمرده بودیم اتهامات بی‌پایه و اساس می‌خواند. از آنجائیکه این موارد تماما به نقل از نشریات این جریان در مقاطع تاریخی مختلف و با ذکر منبع و ماخذ صورت گرفته بود، رجوع به منابع مزبور و از این طریق اثبات بی‌پایگی اظهارات ما کافی بود. اما آنها چنین نکردند بلکه در مقابل، ما شاهد آنیم که مجدداً بر حقانیت آن موارد و سیاست‌ها اصرار و با ارائه دفاعیه مبسوطی از آن پشتیبانی می‌کنند. کارگر سوسیالیست ابتدا اتخاذ موضع دفاع‌طلبانه در جنگ ایران و عراق را تکذیب می‌کند. آنگاه موضع «حزب کارگران سوسیالیست» در قبال جنگ را چنین توضیح می‌دهد:

«... بدیهی است که ما چنین موضعی اتخاذ نکردیم. در شماره نخست «نشریه کارگر سوسیالیست» ۱۰ مهر ۱۳۵۹، به هنگام آغاز جنگ، اعلام کردیم که از آنجایی که مسئله جنگ به مسئله کارگران تبدیل گشته، کارگران که دسته دسته داوطلبانه به جبهه روانه می‌شوند و آنان که به رهبران رژیم اعتقاد دارند، باید از آنها بخواهند که آنها را مسلح کنند و به آنها آموزش نظامی دهند تا بتوانیم از طریق شوراهای خود به دفاع از انقلاب برخیزیم.»

(کارگر سوسیالیست، شماره ۵۸)

بدین ترتیب و بنابر تشخیص تروتسکیست‌ها، کارگران دسته دسته و بدون ابزار و سلاح جنگی به جبهه می‌رفتند و آنها نیز از رهبران رژیم «که کارگران به آنها اعتقاد داشتند» می‌خواستند تا کارگران را مسلح کنند. عجب بصیرتی! یعنی جباران خونریز اسلام آنقدر در پیشبرد اهداف جنگی و تشخیص منافع طبقاتی خود ناتوان بودند که می‌خواستند کارگران را بدون سلاح و آموزش نظامی به جبهه‌های مرگ و نیستی روانه کنند. اگر چنین هم بوده پس باید مطالبات حزب توده و اکثریت را برای «مسلح کردن پاسداران به سلاح‌های سنگین»، پاسدارانی که به عشق شهادت دیوانه‌وار و بدون سلاح بر روی مین‌ها می‌رفتند، به مطالبه تروتسکیست‌ها جهت «مسلح‌نمودن کارگران» پیش از روانه‌ساختن به جبهه‌ها در موفقیت جمهوری اسلامی برای دفاع از انقلاب در مقابل حمله عراق و آمریکا بسیار موثر بوده باشد. برای هر انسان بافهم و شعور متعارفی روشن است که جمهوری اسلامی نه تنها بودجه‌های کلانی را برای آموزش نظامی کارگران اختصاص داد، بلکه حضور بسیج و آموزش نظامی را در کارخانه‌ها اجباری نمود. بدین وسیله تمام کارخانه‌ها را به اشغال نظامی خود درآورد و از این دریچه موفق گشت بسیاری از حرکات و اعتصابات کارگری را درهم بشکند، ده‌ها کارگر پیشرو را بدام اندازد و به جوخه‌های اعدام بسپارد.

استدلالات تروتسکیست‌ها مغلطه‌پردازی سیاست‌بازانه است. در ایران تحت حاکمیت اسلامی در آستانه جنگ هیچ انقلابی در کار نبود تا صحبت دفاع از آن در میان باشد. جنبش وسیع توده‌ای و اعتلای انقلابی سال ۵۷ با

اقدام به موقع فراکسیون‌های سرمایه‌داری جهانی و راندن روحانیت به صحنه رهبری شکست‌خورده بود. کارگران و جنبش شورایی در غیاب سازمان انقلابی به زیر رهبری روحانیت کشیده شده بودند و کلیه احزاب و گروه‌های سیاسی ایرانی در این شکست بزرگ سهیم بودند. ادعای دفاع از انقلاب در مقطع جنگ دروغ مشترک همه احزاب ضدانقلابی بود که بیرق دفاع‌طلبی را در دست داشتند. این اولین بار نبود که تروتسکیست‌ها، استالینیست‌ها و مائوئیست‌ها موضع واحدی داشته‌اند. همه آنان طی ۵۰ سال گذشته با دفاع از جنبش‌های به اصطلاح «ضدامپریالیستی» جنبش‌های «رهائی‌بخش ملی» و «استقلال‌طلبانه» کارگران را ترغیب کرده‌اند تا در جنگ‌های ارتجاعی برادران طبقاتی خود را سلاخی کنند. این سیاست‌های ضدانقلابی غالباً با اتکاء بر تاکتیک تقویت اردوگاه سوسیالیستی و دفاع از بد در مقابل بدتر توضیح داده می‌شود. اما کمونیست‌های چپ در شرایطی که تروتسکیست‌ها و تمام احزاب تحت‌نام کمونیست با دفاع از بلوک امپریالیستی شرق، در جنگ امپریالیستی و جنبش‌های ملی شرکت جستند، تنها جریانی بودند که از مواضع انقلابی در مقابل تحریفات ضدانقلاب دفاع نمودند. و امروز نیز مواضع ۵۰ سال پیش خود را بعنوان دلیلی بر حقانیت خود در اختیار همگان قرار می‌دهند. این حقیقت امروز دیگر برای همیشه در تاریخ جنبش پرولتری حک شده است.

تروتسکیست‌ها و اتحاد عمل

این مقوله نیز یکی از ابزارهای توجیه اتحاد و مشارکت تروتسکیست‌ها در کشمکش‌های جناح‌های طبقه حاکم بوده است.

«کارگر سوسیالیست» در این باره اظهار می‌دارد که:

«یکی دیگر از خیانت‌های نشریه کارگر سوسیالیست ظاهراً این است که خواهان ایجاد اتحاد عمل با سایر نیروهای چپ و غیرپرولتری است.»

(کارگر سوسیالیست، شماره ۵۸)

این گفته نیز که همانند سایر نقل به معنی‌ها به ما نسبت داده شده است دروغ آشکاری است. پیک انترناسیونالیستی هیچگاه تروتسکیست‌ها را به «خیانت» متهم نکرده است. خیانت به چه چیزی؟ جنبش تروتسکیستی به دلیل ماهیت سیاست‌ها و برنامه‌های خویش است که در کمپ سرمایه‌قرار گرفته است. کاملاً برعکس، ما بر این باوریم که نشریه کارگر سوسیالیست به مبانی پایه‌ای تروتسکیسم سخت پایبند است و به همین سبب نیز باید ماهیت آن را افشاء ساخت.

«اتحاد عمل با سایر نیروهای چپ و غیرپرولتری» دیگر چه صیغه‌ای است؟ نیروها و نشریات جنبش سیاسی پرولتری در مواجهه با چپ سیستم سیاسی سرمایه‌هرگر چنین ترمینولوژی را بکار نمی‌گیرند. با این همه لازم است تا از نزدیک مقصود و نتایج اتحاد عمل تروتسکیست‌ها را مورد بررسی قرار دهیم: مورد عراق و اتحاد با احزاب ناسیونالیست کرد یکی از این نمونه‌هاست.

امروز دیگر پس از گذشت چند سال بر همگان روشن است که تشکیل دولت به اصطلاح «کرد عراق» در چهارچوب جدال‌های قطب‌های سرمایه‌داری جهانی قابل توضیح است. ادامه حیات این دولت نیز با سیاست تضعیف حکومت عراق به وسیله آمریکا و بر این پایه کمک‌های اقتصادی و نظامی این کشور به «دولت کرد»

میسر گردیده است. این حمایت‌ها بعلاوه پشتیبانی دولت‌های سرمایه‌داری منطقه هیچیک مخفیانه صورت نمی‌گیرد و نیازی نیز برای فهم این حقیقت از طریق کاوش‌های اطلاعاتی و دسترسی به مدارک سازمان‌های جاسوسی نیست.

تروتسکیست‌ها که علاقه وافری به اتحاد با نیروهای «غیرپرولتری» دارند در سرمقاله «کارگر سوسیالیست» شماره ۳۷ خواستار اتحاد عمل با احزاب ضدانقلابی کردستان بر علیه عراق شدند. صد البته در این مورد نیز آنان مانند موارد مشابه دیگر شرایط خود را یادآور شده و نوشتند که:

«اتحاد عمل با سازمان‌های بورژوازی علیه رژیم صدام، با حفظ استقلال سیاسی به شرط آنکه این سازمان‌ها با رژیم صدام وارد معامله و همکاری نشوند» مجاز است.

خواست اتحاد عمل با احزاب ناسیونالیست کرد بروز تنش‌هایی را در هیئت مسئولین نشریه «کارگر سوسیالیست» یا به عبارتی دیگر، «اتحادیه سوسیالیست‌های انقلابی»، موجب گشت. در نتیجه در هیئت مسئولین انشعابی رخ داد و یکی از منشعبین جزوه‌ای را تحت عنوان «تاریخچه یک سال ستیز علیه باندبازی و محفلیزم در تشکیلات اتحادیه سوسیالیست‌های انقلابی ایران» منتشر کرد که نکات آگاه‌گرانه‌ای دارد.

در بخش مربوط به اختلافات سیاسی و مسئله اتحاد عمل با احزاب ناسیونالیست مباحثات طرفین مناقشه درج شده است. مسئول سراسری «اتحادیه سوسیالیست‌های انقلابی» که نویسنده سرمقاله‌های نشریه کارگر سوسیالیست نیز می‌باشد در دفاع از ضرورت اتحاد عمل با احزاب ناسیونالیست کردستان عراق چنین استدلال می‌نماید:

«خیانتی که سوسیال‌دمکراسی در آلمان و استالینیزم در سطح جهانی به جنبش کارگری کرد قابل مقایسه با خیانت‌های طالبانی و بارزانی به مردم کردستان نیست».

(تاریخچه یک سال ستیز علیه باندبازی و محفلیزم در تشکیلات اتحادیه سوسیالیست‌های انقلابی ایران، ص ۱۴) پس از این مقایسه، یعنی قیاس بد و بدتر و تاکید بر لزوم اتحاد عمل با احزاب ناسیونالیست کردستان عراق و سرزنش طرف مقابل به دلیل داشتن نظرات شبه‌انارشستی همین شیوه را در مقابل نیروهای به اصطلاح «غیرپرولتری» در جناح چپ اپوزیسیون بورژوازی بکار گرفته و می‌نویسد که:

«اگر قرار باشد سوسیالیست‌های انقلابی با هر گرایشی در جامعه به علت اینکه خیانتی کرده است "اتحاد" نکنند، باید در اطاقی خود را محبوس کرده و هیچ نکنند، یا مانند مائوئیست‌ها تبدیل به یک فرقه شوند. مگر در درون اتحاد چپ کارگری که بیش از ۳ سال اتحادیه در آن شرکت داشته، همه گرایش‌های موجود منزله و پاک هستند! آیا "راه کارگر" در کردستان از دولت عراق پول نگرفته است! آیا در درون راه کارگر اعضاء و رهبران سابق حزب توده وجود ندارند! (جریاناتی که با سپاه پاسداران در سرکوب کارگران و کمونیست‌ها همکاری کرده بودند). آیا حزب رنجبران با بنی‌صدر که مسئول تهاجم به مناطق کردنشین توسط مزدوران رژیم بود همکاری نکرده است! آیا برخی از گرایش‌های مختلف طیف فدائی به قول راه کارگر "کارهای مشکوک" نکرده‌اند! آیا پول و ایستگاه رادیویی گرفتن از صدام و در نتیجه ارتباط با "مخابرات" (پلیس مخفی عراق) از ارتباط با "سیا" بهتر

است! چنانچه اینگونه مسائل «خیانت» به آمال و اهداف مردم است چرا تاکنون ما با این عده در درون یک اتحاد باقی مانده‌ایم!»

(ملاحظات دربارۀ مقاله «نظم نوین در منطقه کردستان و خلیج فارس»، همان منبع، ص ۱۵)
جالب اینجاست که نویسنده سطور بالا زمانیکه بیک انترناسیونالیستی اعلام کرد که آنها با بورژوازی متحد گشته‌اند و متعلق به جناح چپ دستگاه سیاسی سرمایه‌داری هستند، فریاد برکشید که ما با جعل مواضع، اتهامات ناروایی را به آنها نسبت داده‌ایم.

بر مبنای دیدگاه تروتسکیست‌ها، دشمن دشمن من دوست من است. با این بینش ارتجاعی و ضدمارکسیستی است که آنها همواره در حال واردشدن به اتحاد با این یا آن فراکسیون بورژوایی هستند و به درستی نیز می‌گویند اگر قرار باشد با هر گرایش و سازمانی که با دولت‌ها ساخت و پاخت کرد، اتحاد عمل نکرد پس چه باید کرد؟ چرا که در چهارچوب پلاتفرم آنها نمی‌توان مارکسیست بود و با فراکسیون‌های گوناگون بورژوایی وارد اتحاد عمل نگشت. این کاملاً منطبق با نظریه تروتسکیستی لزوم اتحاد عمل با احزاب سوسیال‌دمکراتیک، جنبش‌های ملی و رهائیبخش و تاکتیک دخیل‌گرایی (انترسیم) است. برعکس ما می‌گوییم یکی از مهمترین مشخصه تمیزدادن کمونیست‌های انترناسیونالیست از احزاب چپ دستگاه سیاسی بورژوایی در این است که آنها در هیچ شرایطی وارد اتحاد با هیچیک از فراکسیون‌های بورژوایی، چه آنهایی که در اپوزیسیون قرار دارند و چه آنانی که بر اریکه قدرت تکیه زده‌اند، نمی‌شوند. اما برخلاف ادعاهای پرطمطراق تروتسکیست‌ها، آنها نه مدافع انترناسیونالیسم پرولتری‌اند و نه مدافع مواضع انقلابی. جنبش تروتسکیستی با گردآمدن حول بین‌الملل چهارم و دفاع از برنامه انتقالی هرگونه پتانسیل مترقیانه خود را از دست داد و به سوسیال‌دمکراسی بازگشت. آنها با شرکت در جنگ جهانی امپریالیستی دوم به ضدانقلاب پیوستند و پس از آن نیز به مثابه جزئی از خطوط دفاعی بورژوازی در جناح چپ انجام وظیفه کرده‌اند. هرگونه ایرادگیری به تاکتیک‌های احزاب تروتسکیستی و یا پلمیک با آنان حاصل عدم درک مبانی فکری و جایگاه سیاسی-تاریخی این جنبش در شرایط امروز است. شاید در ۱۰۰ سال پیش برنامه انتقالی تروتسکیست‌ها محتوای مترقیانه‌ای می‌داشت اما امروز اوضاع به گونه دیگری است. و ما در شرایط اجتماعی دیگری به سر می‌بریم.

شرایط تروتسکیست‌ها برای شرکت در «حزب اسلامی کار»

نکته دیگری که نشریه «کارگر سوسیالیست» در دفاع از مواضع سیاسی خود بدان پرداخته است شروط تروتسکیست‌ها برای شرکت در حزب کار رژیم اسلامی است. ما در شماره گذشته بیک انترناسیونالیستی نشان دادیم که چگونه مسئله دفاع از تشکل‌های مستقل کارگری و ایجاد اتحادیه مبدل به خط دفاعی بورژوازی برای عقب‌راندن جنبش کارگری در ایران گشته است. ما «اتحادیه مستقل کارگران ایران» را به مثابه نمونه‌ای از این مانور ضدانقلابی برگزیدیم و با تکیه بر استدلال و بررسی روشنگرانه اهداف مستتر در پس شعارپردازی‌های فریبنده آن را نمایان کردیم. ما گفتیم که فعالیت حول ایجاد تشکل‌های صنفی و سوق دادن مبارزه کارگران به مجرای قانونی یک تاکتیک ضدانقلابی برای به انحراف کشاندن مبارزه طبقاتی است.

محافل متعدد وابسته به خانه کارگر، کلیه سازمان‌های اپوزیسیونی صرفنظر از تعریف و تعبیری که به دست می‌دهند، و بخشا نیز در صنایع در حال همکاری با جمهوری اسلامی هستند (از جمله توده‌ای‌ها و اکثریتی‌ها) تلاش‌های مذبوحانه‌ای در این مسیر به خرج داده‌اند. آلترناتیو واقعی و عملی آنها همانا شعار تشکیل انجمن‌های صنفی کارگری و در نهایت اتحادیه‌های صنفی است. این حرکت جزء تکمیل‌کننده جریان تجدید سازماندهی خانه کارگر و ابراز وجود مجدد جناح چپ حکومت اسلامی با شعار جامعه مدنی در مقابل جناح راست سنتی است. بدین ترتیب وقتی ما عمل تروتسکیست‌ها را که کارگران را به شرکت و دخالت در حزب کارگری جمهوری اسلامی ترغیب می‌کردند، ضدانقلابی خواندیم، آنها اعلام کردند که ما به آنها «اتهام» زده‌ایم.

برای اثبات گفته‌های خود لازم است تا یکبار دیگر موضع کارگر سوسیالیست را در اینجا نقل کنیم:

«... شرکت کارگران در حزب‌های ساخته‌شده توسط رژیم در صورت ضرورت بایستی با پشتوانه محکمی صورت گیرد. به سخن دیگر، کارگران پیشرو و سوسیالیست با حفظ هسته مستقل و مخفی خود، رعایت اکید مسائل امنیتی و بدون داشتن کوچکترین توهمی به قول و قرارهای نهادهای رژیم می‌توانند در چنین نهادی شرکت مشروط داشته باشند. شرایط «حداقل» شرکت از قرار زیرند.

۱) حزب مذکور باید نهادی «مستقل» از رژیم و نهادهای آن باشد. چنانچه قرار باشد که روسای خانه کارگر همه کاره و کارگران پیشرو هیچ کاره باشند، شرکت در این نهادها باید از ابتدا تحریم گردد.

۲) در عمل باید اثبات گردد که حداقل بخشی از کارگران، مستقل از رژیم در چنین تجمعی شرکت فعال می‌کنند.

۳) این حزب باید از دمکراسی درونی برخوردار باشد. کارگران مخالف رژیم باید قادر باشند که نظرات خود را به هر شکلی که خود لازم تشخیص دهند ابراز کنند.»

(نشریه کارگر سوسیالیست، شماره ۵۸)

اینها آن شروطی هستند که تروتسکیست‌ها حضور خود و کارگران در «حزب‌های ساخته‌شده رژیم» را بدان مشروط کرده‌اند. طبیعی است که تقاضای استقلال، دمکراسی درونی، و «همه‌کاره‌بودن کارگران» در این احزاب را می‌بایست در چهارچوب پلاتفرم این احزاب درک نمود. مطمئناً جمهوری اسلامی کلاه خود را به هوا خواهد انداخت اگر تمام کارگران ایران پلاتفرم احزابش را بپذیرند، در جهت تحقق پلاتفرم تلاش کنند، «همه‌کاره» تشکیلات باشند و در این چهارچوب از نکاتی که مورد قبولشان نیست بدون زیر پا گذاشتن اصول سازمانی «برادرانه» انتقاد کنند. فکر نمی‌کنیم که تروتسکیست‌ها در تشکیلات خود ضوابطی فراتر از پیش‌شرط‌های ارائه شده به جمهوری اسلامی داشته باشند.

اتخاذ چنین تاکتیکی، همانند نمونه‌های تاریخی دیگر، شرکت در انتخابات مجلس خبرگان، شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و فراخوان به چپ جهت معرفی کاندیدای مستقل و اتخاذ موضع دفاع‌طلبی در جنگ ایران و عراق را ما منطبق با ماهیت جنبش تروتسکیستی خواندیم.

مجلس مؤسسان

شرکت در انتخابات پارلمانی جذابیت توصیف‌ناپذیری برای احزاب جناح چپ دارد. چرا که آنجا صحنه ابراز وجود و اثبات میزان قابلیت در سیستم سیاسی سرمایه است. پارلمان و انتخابات میدان ارضای اشتیاق سیری‌ناپذیر چهره‌های سیاسی احزاب پارلمانتاریست و عقب‌راندن مبارزه سرنوشت‌ساز پرولتاریاست. از همین رو است که کمونیست‌های جناح چپ انترناسیونال سوم بر علیه تاکتیک «انهدام پارلمان از درون» سرسختانه مبارزه کردند. ریشه‌های مادی غیرقابل استفاده شدن این تاکتیک قدیمی کمونیست‌ها در این حقیقت نهفته است که در عصر احتضار سرمایه‌داری، پارلمان دیگر عرصه رقابت جناح مترقی و ارتجاعی بورژوازی نیست. از سوی دیگر با از میان رفتن امکان مادی رفم در دوران بحران‌های مزم ساختاری زمینه‌ای برای تحمیل رفم‌های سیاسی و اقتصادی به بورژوازی وجود ندارد. این تاکتیک‌های کهنه‌شده، امروز به سلاحی در دست فراکسیون‌های بورژوازی تبدیل شده است. نقش مسئله ملی و اتحادیه‌های کارگری نیز از همین زاویه قابل توضیح است. آنها می‌نویسند که:

«آیا این بدین مفهوم است که در صورت نبود امکان برقراری «حکومت شورایی» پس از سرنگونی، باید فرقه‌گرایانه، چشم‌های خود را بر هر بدیلی بست. مسلماً خیر! در صورت عدم توفیق تشکیل حکومت شورایی و تحمیل یک حکومت غیرکارگری، مبارزه برای تشکیل «مجلس مؤسسان دمکراتیک و انقلابی» در دستور کار قرار می‌گیرد.»

(همان منبع، ص ۷)

مجلس مؤسسان دمکراتیک و انقلابی دیگر چه صیغه‌ای است؟ کارگر سوسیالیست پاسخ می‌دهد:

«مجلس مؤسسان عالی‌ترین و دمکراتیک‌ترین شکل مجلس بورژوایی (اقلیت جامعه) است. در صورتی که جمهوری شورایی و دمکراسی کارگری (اکثریت مردم) عالی‌تر از هر مجلس بورژوایی است.»

(همان منبع)

پس بنابر نظریه تروتسکیست‌ها در عصر احتضار سرمایه‌داری می‌بایست و می‌توان برای «مجلس مؤسسان، عالی‌ترین شکل مجلس بورژوایی (اقلیت جامعه)» مبارزه کرد و این مجلس بورژوایی می‌تواند دمکراتیک و انقلابی نیز باشد. به عبارت دیگر در عصر فعلی بورژوازی می‌تواند انقلابی باشد. دقیقاً اینجاست که پلاتفرم تروتسکیست‌ها با پلاتفرم فراکسیون‌های حکومتی منطبق می‌شود و آنها به دفاع از یک جناح از بورژوازی در مقابل جناح‌های دیگر دست می‌زنند. و طبقه کارگر را نیز به چنین حرکتی ترغیب می‌نمایند. چیزی که ما در این نوشته به کرات با ارائه فاکت‌های مشخص نشان دادیم. حال چه زمانی آنها از این برنامه ضدانقلابی دست خواهند کشید؟ زمانی که انقلاب پرولتری کلیه نهادهای بورژوازی را از جمله «مجلس مؤسسان» را درهم کوبد.

«به اعتقاد ما با تشکیل حکومت کارگری دیگر نیازی به مجلس مؤسسان نیست.»

(همان منبع)

اما بینیم تروتسکیست‌ها تفاوت خود با دیگر نیروهای اردوی ضدانقلاب درباره مجلس مؤسسان را چگونه توضیح می‌دهند.

«... نظریات برخی از نیروهای اپوزیسیون چپ به ویژه راه کارگر درباره مجلس مؤسسان نادرست است. آنها تشکیل آن را به مثابه یک مرحله ضروری می‌بینند...»

(همان منبع)

به عبارت دیگر تروتسکیست‌ها امکان عقب‌نشینی از موضع مجلس مؤسسان را برای خود در صورت پیروزی کارگران محتمل می‌دانند. اما می‌گویند که راه کارگر حتی در صورت پیروزی کارگران کماکان سنگر خود را برای ایجاد عالی‌ترین نهاد بورژوازی حفظ خواهد کرد. آیا سایر احزاب برای خواست دیگری به جز «عالی‌ترین دمکراسی بورژوازی» مبارزه می‌کنند. سخن ما این است که این ترهات که بوی کهنگی و ورشکستگی آن مشام هر کمونیستی را می‌آزارد چه خویشاوندی با مارکسیسم و کمونیسم دارد. **کمونیست‌ها نه برای «عالی‌ترین دمکراسی بورژوازی» بلکه برای نفی بردگی مزدی مبارزه می‌کنند و تحت هیچ شرایطی در مقام دفاع از دیکتاتوری پارلمانتاریستی بورژوازی برنخواهند آمد.** کارگران کمونیست باید هوشیار باشند و با ارتقاء سطح آگاهی و مبارزه خود کلیه این نیروها را به مثابه خطوط دفاعی بورژوازی در جنبش کارگری محکوم سازند و فریب نظام گفتاری شبه‌مارکسیستی آنها را نخورند. کسانی که سالیان درازی از سرمایه‌داری دولتی به مثابه آلت‌ناتیو انقلابی دفاع کردند و از آن به عنوان دستاوردهای سوسیالیستی سخن راندند.

آنارشسیسم و رهبری

«کارگر سوسیالیست» نشریه پیک انترناسیونالیستی را یک فرقه می‌خواند، فرقه‌ای که شبه‌آنارشسیست است. البته منتسب کردن ما به آنارشسیسم نیز همانند تحریفات تروتسکیست‌ها درباره بوردیگا و ریاکاری درباره نظریات نیروهای جنبش انقلابی، تنها جنبه تبلیغاتی برای ایجاد اغتشاش و گیجی حول مواضع ما و سایر نیروهای اردوی پرولتری دارد. آنها که امروز وزیر کابینه آلمان را برای تبلیغات ضدآنارشسیستی خود برمی‌گزینند نیک می‌دانند که چپ کمونیست تنها نیروی سیاسی بود که در مقابل صف متحد آنارشسیست‌ها و تروتسکیست‌ها در دفاع از جمهوری بورژوازی در جنگ داخلی اسپانیا، ایستاد. اینان به خوبی بر این امر واقفند که در نزد کمونیست‌های انترناسیونالیست، میان خط‌مشی سیاسی آنارشسیست‌ها و احزاب بورژوازی جناح چپ تفاوت ماهوی وجود ندارد. اما نقد «اتحادیه مستقل کارگران ایران» به وسیله پیک انترناسیونالیستی افکار تروتسکیست‌ها را چندان پریشان ساخته است که آنها برای نیل به اهداف ضدانقلابی‌شان راه و چاره‌ای جز نسبت دادن نظریات غیرواقعی به ما نداشتند. آنها می‌نویسند:

«آنارشسیست‌ها [پیک انترناسیونالیستی] عمدتاً در مورد «رهبری» و رهبر در جنبش کارگری حساسیت نشان می‌دهند.»

(همان منبع)

آنگاه با اشاره به پرده‌داری پیک انترناسیونالیستی از شعبه‌بازان مهجول‌الهویه بازار سیاست و جعل رهبر و اتحادیه برای کارگران، سخن از لزوم رهبری در حرکت جمعی می‌رانند و درباره مناسبات انسان‌های مبارز گزاره‌گویی می‌کنند. جا دارد تا در اینجا ببینیم منظور «نشریه کارگر سوسیالیست» از رهبری چیست و این مسئله چگونه در میان آنها تحقق می‌یابد.

«... بحث ما بطور مشخص اینچنین بود. تشکیلاتی که نتواند طی دوره‌ای تعدادی کادر سیاسی و مجرب را برای ارتقاء نظرات و کیفیت فعالیت‌های سیاسی خود بسازد و عده‌ای را حول فعالیت‌های روزمره خود سازمان دهد، نایستی خود را در بیرون به عنوان تشکیلاتی "همه فن حریف" با تعدادی فعالین و کادر و نویسندگان غیرواقعی جلوه دهد و در داخل آن، برای جبران این کمبودها، مثلا یک عضو آن با شش امضای مختلف (م.رازی، خ.یاری، مازیار روزبه، مهدی رضوی، آذر برزین و شاهین صالح) در نشریه مقاله بنویسد و عضو دیگر آن مجبور شود در چند نوع نهاد سیاسی به فعالیت بپردازد تا مبادا دیگران متوجه شوند که ما از آنها یک سر و گردن کمتر هستیم و یا حتما بایستی در هر شماره نشریه مقالات به امضاء هیئت مسئولان داشته باشیم، حتی اگر با مواضع آن مقالات مخالف باشیم. چنین کنیم تا مبادا دیگران فکر کنند ما بی‌استخوان هستیم.»

(تاریخچه یک سال ستیز علیه باندبازی و محفلیزم در تشکیلات اتحادیه سوسیالیست‌های انقلابی ایران)

به راستی نیز گستاخی بی‌نظیری است که نیروهایی با بجانهدان چنین اسنادی از روش‌های کار جمعی سخن از تشکل کمونیستی و لزوم رهبری در آن می‌رانند. بکارگیری چنین روش‌هایی حتی در احزاب حاکم نیز معمول نیست. کارگران کمونیست حق دارند و بایستی چنین سنت‌هایی را به عنوان روش‌هایی ارتجاعی و ضدانقلابی، روش‌هایی که هیچ ربطی به کمونیسم و رهبری در تشکل‌های کمونیستی ندارد قاطعانه محکوم کنند. در حالیکه این شکل از کار تشکیلاتی در «اتحادیه سوسیالیست‌های انقلابی» سنت جاافتاده‌ای است:

«چرا در حالیکه تمام مسئولیت‌های فوق را در اختیار گرفته‌اید و تعیین تکلیف می‌کنید، برای دیگران این چنین موعظه می‌کنید که به تشکیلات به صورت یک بدنه بنگرند و آنرا تقویت کنند؟ آیا شما با قرارداد خود در حکم کله و چشم و گوش و دست و پای تشکیلات این بدنه را به یک موجود تک‌سلول تبدیل نکرده‌اید؟ چرا خود را همیشه بهترین فرد برای انجام هر کاری تلقی می‌کنید و دیگران بایستی قبل از هرگونه ابراز نظر، اول از همه «رهبری» فردی شما بر تشکیلات را مورد تأیید قرار دهند؟ چرا شما حق دارید با ده تا امضاء نظرات خود را در بولتن درونی و نشریه چاپ کنید اما دیگران از چنین حقی حتی با امضای خودشان محروم‌اند؟»

(همان منبع)

این ترجمان عملی تصویری است که «کارگر سوسیالیست» از رهبری به دست می‌دهد. چنین تجاربی است که موجب گشته تا امروز بسیاری از کارگران و روشنفکران مبارزی که می‌توانستند شالوده‌های یک حزب جهانی

انقلابی را بسازند، هرگونه فعالیت حزبی را رها کرده و در بهترین شرایط رو به سوی آنارشیسم و شوراگرایی گردانده‌اند.

ما بر این باوریم که وجود چنین مناسبات و رهبری در میان احزاب جناح چپ را نمی‌توان از طریق مراجعه به روانشناسی فردی و یا صرفاً اشتیاق افراد به قدرت‌طلبی توضیح داد. چنین مناسباتی در کار جمعی بر بستر مجموعه‌ای از اهداف و برنامه سیاسی معینی رشد و تکوین می‌یابد. به عبارت دیگر برنامه و مبانی نظری آنها روش‌های متناسب با آن را می‌آفریند.

ما کوشش خواهیم کرد تا با بررسی تاریخی برنامه و پراتیک احزاب و سازمان‌های موجود در جناح چپ سیستم سیاسی سرمایه، حرکت در جهت آلترناتیو کمونیستی، یعنی ساختن حزب جهانی پرولتاریا را تسهیل کنیم. دست‌یافتن به چنین آلترناتیوی برای پیروزی نبردهای آتی طبقه‌مان تعیین‌کننده خواهد بود.

۱. دیدبان زمستان ۱۳۷۷

زیرنویس:

^۱ با توجه به نگرش سازمان کارگران کمونیست به تروتسکیسم، اگر ادعای دوستی و رابطه حسنه نشریه «کارگر سوسیالیست» با آنان به وسیله این رفقا تکذیب نگردد طبعاً نشانه عدم پای‌بندی و عدول CWO از مواضع کمونیستی خویش است.